یادداشت روز

قربانی کردن منافع ملی برای فرار از پاسخگویی

حوزه امنیت، منافع و مصالح ملی از جمله حوزه‌هایی است که کمتر کسی را می‌توان یافت که نسبت به اهمیت و ضرورت آن واقف نباشد و تقریباً همه کسانی که از عقلانیت فکری و سیاسی برخوردارند، سعی می‌کنند گفتارها و رفتارهای خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که چالشی برای این حوزه ایجاد نشود. چراکه از نگاه استراتژیست‌ها، هرگاه امنیت ملی یا منافع ملی یک کشور دستخوش رفتارهای سیاسی افراد یا جریان‌های سیاسی قرار گرفت، باید انتظار داشت که حوزه‌های دیگر عملکردی نظام یا سیستم سیاسی مورد بی‌توجهی و چالش جدی قرار گیرد. از برآیند رفتاری همه شخصیت‌های سیاسی دنیا این برداشت می‌شود که رعایت امنیت و منافع ملی کشور خط قرمز آنها محسوب شده و کمتر زمان‌هایی پیش آمده که فعل و انفعالات سیاسی یا رقابت‌های حزبی، آنها را بر آن داشته که به خود اجازه دهند حوزه‌های امنیت و منافع ملی را وجه‌المصالحه امیال شخصی یا حزبی خویش قرار دهند. لذا نمی‌توان تصور کرد مقاماتی که روزگاری صاحب‌منصبان تراز اول کشور بودند به خود اجازه دهند در زمانی که دوره مسئولیت‌شان سپری شده است علیه سیاست‌های راهبردی، امنیت، منافع و مصالح ملی کشور به‌گونه‌ای موضع‌گیری کنند که خلاف آنچه سیستم و حاکمیت دنبال می‌کند، باشد. اما این روزها آقایان روحانی و ظریف رئیس‌جمهور و وزیر خارجه دولت دوازدهم این کار را کردند! تا جایی که آقای قالیباف رئیس‌مجلس شورای اسلامی که در یک سال گذشته همواره این ملاحظه را داشت که مبادا در موضع‌گیری‌های خود سخنی گفته شود که به تریج قبای وفاق بر بخورد، از هرگونه سخن چالش برانگیزی پرهیز داشت، به یکباره صبح روز یکشنبه در نطق پیش از دستور مجلس از کوره در رفت و گفت: «در این برهه حساس، از همه سلیقه‌های سیاسی مختلف انتظار می‌رود که با وحدت کلمه، از این دستاوردها حمایت کنند و صدای رسای ملت ایران در برابر فشارهای خارجی باشند. بیایید به یادآوریم که عزت و سربلندی ایران، در اتحاد و ایستادگی همه است؛ ایستادگی‌ای که امروز، با حمایت شرکای جهانی، به ثمر نشسته است. وظیفه شرعی و میهنی ماست که امروز تحت هر شرایطی، امر ملی را بر امر جناحی مقدم بداریم و به تثبیت و تحکیم دستاوردهای امروز کشور کمک کنیم. در همین راستا لازم می‌دانم انتقاد صریح خود را نسبت به مواضع رئیس‌جمهور و وزیرخارجه اسبق‌مان اعلام کنم که دقیقاً در شرایطی که مسیر همکاری‌های راهبردی ما با کشور روسیه در حال پیشرفت است با مواضع خود به این مسیر لطمه زدند.

آنچه موجب چنین واکنشی از سوی رئیس‌مجلس شد برمی‌گردد به سخنان حاوی مضامین آشکار ضد منافع ملی یکی دو ماه اخیر آقایان حسن روحانی و محمدجواد ظریف پیرامون روسیه که با توجه به فشارهای آمریکا و سه کشور اروپایی، ایران تلاش کرده روابط خود با دو کشور چین و روسیه را گسترش دهد. آنان با طرح ادعاهایی درباره «وابستگی ایران به روسیه» یا «فدا شدن منافع ایران در روابط با مسکو»، تلاش کرده‌اند ضمن بازتولید نگاه غرب‌محور جریان سیاسی خود، مسیر جدید دیپلماسی متوازن کشور را تخطئه کنند. این رویکرد، نه از جنس تحلیل راهبردی، بلکه از جنس رقابت سیاسی و تخریب توازن ژئوپلیتیک و راهبردی ایران به نفع آمریکاست. در شرایطی که ایران با رویکرد چندجانبه‌گرایی توانسته فشار غرب را کاهش دهد، چنین سخنانی با زیر سؤال بردن همگرایی شرق به عنوان دو قدرت جهانی، عملاً منافع ملی را در تراز سیاست‌های جناحی قربانی می‌کند. در واقع می‌توان گفت که سخنان روحانی و ظریف همان بازتولید گفتمان «غرب محور» در قالب «انتقاد از شرقی» است که همواره توسط اصلاح‌طلبان از ابتدای شکل‌گیری تاکنون در همه زمینه‌ها دنبال می‌شده است. گره زدن اقتصاد کشور و معیشت مردم به برجامی که زلف آن به چند کشور اروپایی گره خورده بود تا آنجا پیش رفت که دیدیم روحانی آب خوردن مردم را هم به توافقی پیوند زدکه در نهایت با «اسنپ بک» توسط اروپا دود شد و به هوا رفت.

در رابطه با بی‌توجهی آقای روحانی به امنیت و منافع ملی با وجود آنکه سالیان طولانی وی بر مسند حراست از امنیت ملی کشور نشسته و کتاب «امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران» را در ۸۰۰ صفحه البته با همکاری حلقه نزدیکان خود در دولت‌های یازدهم و دوازدهم به رشته تحریر درآورده، چند نکته قابل تامل وجود دارد:

۱- هر دولت، فرد یا جریان سیاسی که هویت و اقتدار ملی را بر پایه ترجیح منافع شخصی یا جناحی قربانی کند، عملاً در مسیر کاهش قدرت ملی حرکت می‌کند. همان‌گونه که آقای روحانی در کتاب خود بر این نکته تاکید کرده که منافع ملی، نه شعار سیاسی، بلکه مجموعه‌ای از اولویت‌هاست که بر اساس امنیت، استقلال و توسعه پایدار تعریف می‌شود، این معیار تشخیص رفتار و گفتار مسئولان و خط تمایز میان نقد سازنده و تخریب ضدملی است و عدم توجه به این معیار، نشان می‌دهد یا طرف مقابل هنوز فهم درستی از منافع ملی ندارد یا آنچه به نام او نگارش شده، یک‌بار هم توسط خودش خوانده نشده است. چرا که منافع ملی مرز هویت و اقتدار یک کشور است و هیچ‌گاه نباید دستخوش سخنان و رفتارهای نادرست و نسنجیده قرار گیرد.

۲- در اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصل استقلال یعنی عدم وابستگی به هیچ یک از بلوک‌های قدرت. تعامل با روسیه، چین یا سایر قدرت‌های شرقی، نه به معنای وابستگی، بلکه گسترش سبد تعامل استراتژیک برای حفظ منافع ملی در مقابل نظام سلطه غربی است. در این چارچوب، نقد دیپلماسی شرقی اگر بدون درک راهبرد کلان و صرفا از موضع جناحی صورت گیرد، در واقع بازسازی همان روایت غربی است که ایران را یا منزوی یا وابسته به کشوری معرفی می‌کند. این در حالی است که رهبری معظم انقلاب به عنوان تصمیم‌گیر در سیاست کلان کشور و سکان‌دار نظام سیاسی، با لحاظ کردن همه شرایط و جوانب، یک سیاست خارجی هوشمند بر پایه «اختیار و انتخاب»، نه «اجبار و وابستگی» را مبنای عمل قرار داده است و این نکته‌ای است که حداقل باید توسط کسانی که در روزگاری نه چندان دور، سکان اجرائی کشور را در اختیار داشتند، درک شود.

۳- اظهارات آقایان روحانی و ظریف که موجب واکنش رئیس مجلس شد را باید بخشی از پروژه رسانه‌ای - سیاسی غرب دانست که از طریق مهره‌های داخلی در ماه‌های اخیر در رسانه‌های اصلاح‌طلب دنبال می‌شود و هدف آن، تخریب اعتماد عمومی به سیاست‌های مقاومت فعال در مقابل زیاده‌خواهی‌های غرب است. هنگامی که حرکت اقتصادی کشور با پروژه‌های مشترک مسکو - تهران با احداث مسیر ریلی برای ایجاد یک کریدور مطمئن در امر صادرات و انرژی طی می‌شود، القای «وابستگی» را باید دقیقاً به‌منزله جنگ شناختی علیه راهبرد «استقلال ملی» دانست. این خطی است که مکرر در رسانه‌های غربی دنبال و در برخی رسانه‌های داخلی با روایت‌های مختلف و اشخاص متفاوت به‌طور همزمان با نگارش یادداشت‌های تحلیلی برجسته می‌شود. خطی که مرتب القاء می‌کند «ایران وابسته به روسیه است، روسیه ایران را قربانی کرده و در نتیجه باید بازگشت به غرب را پذیرفت.» روحانی و ظریف آشکارا یا با زبان کنایه با تکرار این خطوط، در واقع زبان رسانه‌های خارجی را به درون فضای سیاسی داخلی منتقل می‌کنند.

۴- سخنان آقایان روحانی و ظریف در قبال روسیه، از منظر منافع ملی، نه نقد دیپلماتیک، بلکه یک حمله سیاسی است که می‌تواند مشروعیت سیاست خارجی مستقل ایران که این روزها با تلاش تیم وزارت خارجه و شخص آقای عراقچی دنبال می‌شود را تضعیف کند. اهمیت منافع ملی در چنین فضائی، دفاع از استقلال تصمیم‌گیری، حفظ عزت ملی و مقابله با روایت‌های وابستگی است. ایران نه وابسته به شرق است و نه تسلیم غرب می‌شود، بلکه در عقلانیت راهبردی خود، به دنبال توازن، تعامل مؤثر و مقاومت در برابر هرگونه تحمیل است.

۵- رفتارهای این روزهای آقای روحانی که تقریبا در یک سال گذشته کمتر خبری از او در رسانه‌ها منتشر می‌شد را باید در مسیری دانست که ما در بحث هسته‌ای تا قبل از حمله آمریکا به مراکز هسته‌ای کشورمان در مذاکره با غرب دنبال می‌کردیم. به نظر می‌رسد ناامیدی او از ادامه گفت‌وگو با طرف‌های غربی که همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد رابطه با غرب گذاشته بود، وی را به واکنش در مقابل سیاست گفت‌وگوی‌های راهبردی ایران با روسیه یا چین کشانده است. اما او نباید فراموش کند که هنوز حافظه ملت داستان تزریق بی‌ضابطه ۶۰ تن طلا و ۲۲ میلیارد دلار و به روایت دیگر ۲۸ میلیارد دلار ارز به بازار را در فاصله کوتاه تقریبا دو ماه فراموش نکرده‌اند! اظهارات آقای سیف رئیس کل بانک مرکزی که گفت من مخالف چنین اقدامی بودم و رئیس‌جمهور به من گفت؛ «به شما می‌گویم که بدون هیچ محدودیتی طلا و ارز را به بازار بریزید»، در پرونده ارزپاشی دوره ریاست جمهوری ایشان وجود دارد. در حالی این تصمیم اتخاذ شد که نه در چارچوب عقلانیت اقتصادی بود و نه بر اساس مصالح راهبردی کشور، بلکه واکنشی بود سیاسی و کوتاه‌مدت برای حفظ ظاهر ثبات کشور در آستانه انتقال قدرت. چنین رفتارهایی در سطح دولت، عملاً به معنای دست‌کاری ذخایر راهبردی ملت است؛ ذخایری که محصول دهه‌ها تلاش در برابر تحریم‌ها بوده و باید در جهت تقویت قدرت ملی مصرف می‌شد، نه برای آرام‌سازی مصنوعی شاخص‌های اقتصادی لحظه‌ای که در کمتر زمانی همین آرامش هم تبدیل به سراب گردید.

۶- آنچه روحانی و تیم اقتصادی او در پایان دولت انجام دادند، نه فقط یک اقدام اقتصادی خسارت‌آفرین، بلکه یک رفتار سیاسی با تبعات ملی و درست برخلاف منافع ملی و تخریب امنیت اقتصادی جامعه بود؛ اقدامی که با از بین بردن ظرفیت تاب‌آوری اقتصادی، کشور را به میدان فشار بی‌دفاع‌تری کشاند. بنابراین آنچه این روزها در رفتار و گفتار آقایان روحانی و ظریف دیده می‌شود برای فرار از پاسخگویی در مقابل تلنباری از سؤالات مردم است که از این دو مسئول در زمینه ارزپاشی و جاروکردن خزانه دولت در ماه‌های واپسین واگذاری قدرت و گنجاندن «اسنپ بک» در متن برجام برخلاف منافع ملی و ده‌ها سؤال بی‌جوابی است که تاکنون پاسخ داده نشده است.

حسن رشوند

بقایی:

مبنای همکاری با آژانس قانون مصوب مجلس است

سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست هفتگی با خبرنگاران گفت: مبنای همکاری ما با آژانس در شرایط کنونی قانون مصوب مجلس با هماهنگی شورای عالی امنیت ملی است. مواردی که آژانس درخواست داشته باشد، باید بررسی شود و براساس تصمیمات شورای عالی امنیت ملی، این کار انجام خواهد گرفت.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه روز سه‌شنبه ششم آبان‌ماه در نشست هفتگی با خبرنگاران به تشریح آخرین تحولات در حوزه سیاست خارجی پرداخت.

بقایی در ابتدای این نشست بیان کرد: وزارت امور خارجه در راستای کمک به تحقق اهداف دیپلماسی اقتصادی، دومین جلسه دیپلماسی استانی را در مشهد مقدس با حضور نمایندگان دستگاه‌های اقتصادی ذی‌ربط از سه استان خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی، و همچنین سفرای ایران در کشورهای همسایه برگزار کرد. تلاش ما کمک به تسهیل همکاری‌های اقتصادی ایران با کشورهای هدف، به‌ویژه کشورهای همسایه است. فکر می‌کنیم از طریق برگزاری این نشست‌ها بتوانیم ظرفیت‌های فراوان استانی را شناسایی کرده و به روند روان کار اقتصادی با همسایگان در سطح منطقه‌ای کمک کنیم.

امیدواری به آزادی مهدیه اسفندیاری و بازگشتش به کشور

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره وضعیت مهدیه اسفندیاری شهروند ایرانی بازداشت شده در فرانسه که چهارشنبه به صورت مشروط آزاد شد، نیز افزود: بعد از جلسه دادگاه ۳۰ مهر قاضی پرونده حکم آزادی تحت نظارت خانم اسفندیاری را صادر کرد. فعلا ایشان در محلی خارج از زندان اسکان داده شده است.

بقایی بیان کرد: منتظر جلسه بعدی دادگاه هستیم. از این تحول استقبال می‌کنیم چون معتقدیم ایشان بدون هیچ دلیل موجهی، بازداشت شده است. امیدواریم این تحول زمینه‌ای برای صدور حکم نهائی تبرئه و آزادی و بازگشت ایشان به کشور باشد. وی با تشریح اقداماتی که در این مدت از سوی دستگاه دیپلماسی صورت گرفت، افزود: سفارت ما از ابتدا پیگیر کار بود و در همین جا بارها در نشست سخنگویی در پاسخ به پرسش خبرنگاران تحولات را توضیح دادم. درباره تحول اخیر سفیر ما فعالانه پیگیری و با ایشان دیدار داشت و به پیگیری‌های خود برای آزادی و بازگشت خانم اسفندیاری ادامه می‌دهیم.

بقایی ادامه داد: کماکان عضو معاهده منع اشاعه NPT و متعهد به توافقنامه پادمان هستیم. در اجرای این تعهدات پادمانی ما با در نظر داشت مصوبه مجلس که شورای عالی امنیت ملی را متولی این بحث معرفی کرده، تعاملات با آژانس را پیش می‌بریم.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی اضافه کرد: برخی از جنبه‌های همکاری ما با آژانس همکاری‌های متعارفی است که در راستای منافع ما از جمله بحث تعویض سوخت اتمی نیروگاه بوشهر و همه می‌خواهیم نیروگاه به صورت عادی کارش را ادامه دهد یا درخصوص نظارت بر عملکرد راکتور تحقیقاتی تهران که داروهای لازم برای بیماران را تأمین می‌کند و این موارد به صورت طبیعی باید انجام شود. بقایی در عین حال یادآور شد: مبنای همکاری ما با آژانس در شرایط کنونی قانون مصوب مجلس با هماهنگی شورای عالی امنیت ملی است. مواردی که آژانس درخواست داشته باشد باید بررسی شود و براساس تصمیمات شورای عالی امنیت ملی، این کار انجام خواهد گرفت.

دستگاه دیپلماسی را معطل یک یا چند روند مذاکراتی نکردیم

این دیپلمات ارشد ایرانی در پاسخ به سؤال دیگری درباره اینکه گفته شود روند دیپلماتیک با آمریکا راهی ندارد؟ تصریح کرد: ما داریم به کارهای دیگرمان هم می‌رسیم. ما که وزارت خارجه و دستگاه دیپلماسی را معطل یک یا چند روند مذاکراتی نکردیم.

بقایی گفت: وزارت امور خارجه هزاران کار دارد و کارش را انجام می‌دهد و این موضوع به عنوان یکی از موضوعاتی که قبلا هم گفتم کل موضوع هسته‌ای به عنوان یک موضوع بر ما تحمیل شد.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی اضافه کرد: موضوع هسته‌ای ما به هیچ عنوان نباید از ابتدا در دستورکار شورای امنیت سازمان ملل قرار می‌گرفت. از نظر ما نه از ابتدا و نه الان موضوع هسته‌ای ما چیزی نیست که بخواهد در سطح شورای امنیت و یا سطوح چندجانبه بررسی شود.

وی عنوان کرد: ولی به هر حال به دلیل شرایط بین‌المللی ما مواجه هستیم با وضعی که باید در مورد این موضوع گفت‌وگو کنیم.

بقایی ادامه داد: دیپلماسی یک روند پیوسته و مستمر است و نمی‌توانید بگویید در یک نقطه روندی را متوقف می‌کنیم. معیار ما برای اینکه در کجا، به چه شیوه‌ای و از کدام ابزارها استفاده کنیم، منافع ملی ایران است.

وی افزود: هر زمان اقتضا کند و احساس کنیم منافع ملی ایران ایجاب می‌کند روندی را ادامه دهیم، شروع کنیم و یا به نحو دیگری مدیریت کنیم، حتما این کار را انجام خواهیم داد.

رابطه بسیار خوب ایران با چین و روسیه

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سؤالی درباره تحریم شرکت‌های نفتی روسیه و رفتن روس‌ها به سمت بازار چین و تبدیل آن به رقیب ایران، و اینکه برای جلوگیری از رقابت منفی آیا هماهنگی با روسیه شده است؟ گفت: درخصوص مراودات با چین تماس‌های مستمر داریم. رابطه ما با روسیه و چین رابطه بسیار خوبی است و در سطوح مختلف با هم همکاری داریم.

وی افزود: درخصوص موضوع تحریم به ویژه با عنایت به اینکه روسیه و چین نقطه نظرات مشابهی دارند. شاهد دیدگاه‌های روسیه و چین در سطح شورای امنیت در واکنش به ادعای بازگرداندن قطعنامه‌های لغو شده شورای امنیت و مخالفت جدی آنها با تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی آمریکا بودیم.

بقایی بیان کرد: اشتراک نظر ما در این موضوعات مبنایی است که به تداوم همکاری‌های ما در حوزه‌های مختلف اقتصادی و تجاری کمک کند.

نمی‌توان به ادعاها و قول‌های صهیونیست‌ها اعتماد کرد

این دیپلمات ارشد ایرانی در پاسخ به پرسش دیگری درباره پیام نتانیاهو برای ایران بیان کرد: در رسانه‌ها مطرح شد و روسیه نیز اعلام کرد که چنین موضوعی از سوی مقامات رژیم صهیونیستی مطرح شده است.

وی با بیان اینکه پیام‌های متناقضی از طرف‌های مختلف می‌شنویم، اظهار داشت: به تجربه دریافتیم که فارغ از این پیام‌ها باید همیشه آماده باشیم. نیروهای مسلح ما با تجربه اندوزی از اتفاقات قبلی در آمادگی کامل به سر می‌برند. به تجربه دریافتیم که رژیم صهیونیستی به هیچ عنوان به ادعاها، قول‌ها و قرارهایش نمی‌توان اعتماد و تکیه کرد.

بقایی بیان کرد: تمرکز و همه حواس ما متمرکز بر تقویت توانمندی‌های دفاعی و ملی در عرصه‌های مختلف است.

اتهامات بی‌اساس استرالیا

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره طرح اتهاماتی علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی استرالیا مبنی بر دخالت در حمله به اماکن یهودی‌ها در استرالیا بیان کرد: برای ما از اول مثل روز روشن بود که این اتهام بی‌اساسی است. هم بیانیه‌ای در این زمینه صادر کردیم و هم در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران توضیح دادم که این ادعا، ادعایی مضحکی است که مشخص است توسط نهادهای اطلاعاتی رژیم صهیونیستی برای تخریب روابط ایران و استرالیا طراحی شده و به نوعی انتقام‌گیری از استرالیا به جهت اینکه در آن ایام راهپیمایی‌های گسترده‌ای علیه نسل‌کشی در شهرهای مختلف این کشور اتفاق افتاد.

به گزارش فارس، بقایی بیان کرد: اینکه الان یک نهاد رسمی در استرالیا که مسئول امنیت و مباحث انتظامی در همان منطقه‌ای بود که ایران را به طراحی حمله علیه یکی از این اماکن متهم کرده بودند، صراحتاً اعلام می‌کنند هیچ‌گونه شواهدی دال بر مداخله ایران در چنین مواردی نبوده، همان نکته‌ای که از ابتدا گفتیم اثبات می‌کند.

خبر ویژه

استاد بزرگ توهم و رؤیافروشی نعل وارونه زد

روزنامه حزب اشرافی کارگزاران در تیتر اول خود در کنار تصویر تمام‌صفحه خاتمی نوشت: تخیلات مانع توسعه شد.

روزنامه سازندگی می‌نویسد: «رئیس دولت اصلاحات در جریان سفر به یزد، ضمن مقایسه وضعیت توسعه ایران و ترکیه گفت: امروز ترکیه بدون حتی یک قطره نفت و با اتکا به گردشگری و صنعت توانسته است از ما بسیار جلوتر برود. اما ما دنبال تخیلات دیگری رفتیم که نه به آنها رسیدیم و نه به توسعه. ما هم از تمام اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ساله و هم از کشورهای دیگر منطقه عقب افتاده‌ایم. ترکیه یک قطره نفت ندارد اما امروز با گردشگری و صنعت توانسته است از ما بسیار جلوتر برود. وی یادآور شد: در پایان دولت اصلاحات در جلسه کارگزاران نظام با رهبری گفتم که ما با توجه به تمام شاخص‌های اقتصادی در مرحله «تیک‌آف» هستیم تا به تمام اهداف چشم‌انداز ۲۰ساله برسیم. تمام اعداد و ارقام مربوط به آن دوره وجود دارد. در آن دوره رشد متوسط ۵درصد را در طول برنامه سوم تجربه کردیم و حتی یک سال به رشد ۸درصدی رسیدیم. ارز را تک‌نرخی تحویل دادیم و صنعت نیز رشد ۱۲درصدی را تجربه کرد؛ اما پرسش اینجاست که چرا با وجود آن زمینه موجود به اهداف‌مان نرسیدیم و عقب‌گرد کردیم؟!»

باید به یاد آقای خاتمی آورد که اولاً پیش از فتنه سال ۱۳۸۸، اقتصاد کشور در مسیر رونق و شکوفایی بود. اما پس از آن آشوب نیابتی، سرمایه مشارکت چهل‌میلیونی توسط سران فتنه تبدیل به هیزم آتش‌افروزی و دوقطبی‌سازی شد و دشمن را به طمع انداخت که با مشاهده این دودستگی، قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت و تحریم‌های فلج‌کننده را علیه ملت ایران اعمال کند. بخشی از مضیقه‌های اقتصادی از آن زمان و متعاقب خیانت سران فتنه پدید آمد که به گزارش مهرماه ۱۳۸۸ روزنامه لس‌آنجلس‌تایمز، نمایندگان آنها در دیدار با مقامات آمریکایی خواستار اعمال تحریم‌های یکباره و فلج‌کننده شده بودند و می‌گفتند تحریم‌ها نباید به صورت تدریجی باشد و مثل واکسن عمل کند!

ریشه این فتنه و خیانت بزرگ، توهمی بود که موسوی تحت عنوان تقلب در انتخابات برساخت و خاتمی با وجود اذعان به دروغ بودن تقلب (آن هم در حد یازده میلیون رای!) در جمع‌های خصوصی، حاضر نشد خطاب به مردم شهادت بدهد و راه آشوب‌افکنی نیابتی آمریکا و اسرائیل و انگلیس را ببندد.

ثانیاً متعاقب آن فتنه سیاسی، خاتمی و روحانی با دوپینگ نامشروع حاصل از فشار تحریمی بیگانگان، انتخابات سال ۱۳۹۲ را تبدیل به حراجی فروش منافع ملی با ثمن بخس کردند و بزرگ‌ترین خیال‌فروشی خسارت‌بار چند دهه گذشته در تاریخ ایران را با دادن وعده‌های دروغین برجامی مرتکب شدند. آنها ادعا می‌کردند به واسطه باج‌دادن و بستن با کدخدای آمریکایی، چنان رونقی در اقتصاد ایجاد می‌کنند که مردم از پول ناچیز یارانه بی‌نیاز می‌شوند. ادعا می‌کردند ۳۵۰میلیارد دلار سرمایه خارجی و بلوکه‌شده در راه ایران است. اما برآیند این تخیلات و رویافروشی، رسیدن معدل اقتصادی هشت‌ساله کشور به نزدیک صفر درصد و تعطیلی هشت‌هزار کارخانه بود.

ثالثاً در سومین خیانت، حسین مرعشی دبیرکل حزب کارگزاران و دیگرانی مانند الیاس حضرتی و فیاض زاهد و... در ابتدای امسال ادعا کردند که به واسطه مذاکرات با ترامپ، هزار تا ۲۵۰۰میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در راه است. اما نتیجه این تخیلات و رویافروشی، خیانت ترامپ و حمله غافلگیرانه به ایران بود.

کش و قوس حذف یارانه‌ها و کوتاهی در بازپس‌گیری ۹۵ میلیارد دلار ارز صادرات

اظهارات دیروز وزیر تعاون، کار و رفاه در مجلس درباره حذف یارانه‌ها و پاسخ رئیس‌مجلس به وی، مجددا این موضوع را تبدیل به بحث روز کرد.

استدلال دولت این است که با مشکل تامین بودجه لازم برای پرداخت یارانه‌ها و به ویژه حمایت از اقشار ضعیف مواجه است. نقض این استدلال که در جای خود می‌تواند قابل تامل باشد، این است که اولا دولت می‌تواند با مهار تورم، از نیاز بسیاری از اقشار به یارانه را منتفی کند و ثانیا هدررفت منابع در اثر سوءمدیریت و ترک فعل برخی دستگاه‌ها صدها برابر بودجه لازم برای پرداخت یارانه‌هاست و اگر با این هدررفت و سوءاستفاده از این منابع برخورد قاطع صورت بگیرد، آن وقت متن و حواشی بحث یارانه پرداختی به مردم منتفی خواهد شد.

احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه دیروز در مجلس گفت: از ۸۹ میلیون نفر حدود ۷ میلیون یارانه بگیر در دولت چهاردهم حذف شده. مجلس تصویب کرده که ۲۷ میلیون نفر حذف شود... شاخص حذف یارانه به مردم اعلام کردیم. خانواده‌ای با ۳ نفر عضو که صاحب خانه باشد با حدود ۳۰ میلیون تومان درآمد ورود می‌کند به دهک هشتم و اگر مستاجر باشد با حدود ۴۲ میلیون تومان... دولت به‌دنبال حذف ۱۵ میلیون یارانه‌بگیر است. اگر دولت و مجلس تصمیم بگیرند که ۲۷ میلیون نفر یارانه‌بگیر را حذف کنند آن را اجرائی خواهیم کرد، اما پیشنهاد ما حذف ۱۵ میلیون نفر است. مجلس کمک کند که هرکس چقدر درآمد دارد از یارانه حذف شود.

در واکنش به این سخنان، محمد باقر قالیباف رئیس‌مجلس گفت: به طور شفاف توضیح دهید بر چه اساس یارانه افراد حذف می‌شوند؟ باید سامانه رفاه ایرانیان به درستی عمل کرده و ارتباط دوجانبه داشته باشد تا علت حذف یا اضافه شدن افراد به دهک‌ها مشخص شود. آقای میدری! نگوید مجلس گفته ۲۰ میلیون کم کند، مجلس گفته براساس نظام تامین اجتماعی در بین ده دهک در حد هفت دهک این‌ها را دسته‌بندی کنید آقای میدری! موضوع را نپیچانید ما چه کارمایم که بگوییم چه کسانی باشند چه کسی نباشد ما امروز از شما این را می‌خواهیم که مردم باید بتوانند وضعیت دهک‌بندی خود را شفاف ببینند و در صورت خطا به آن اعتراض و اطلاعاتشان را اصلاح کنند.

اما صرف نظر از این گفت‌وگوی وزیر رفاه و رئیس مجلس، باید یادآور شد که پرداخت یارانه به مردم فرع بر چالش تورم است و به هر میزان که دولت به توزیع عادلانه منابع و تسهیلات در کنار مسئولیت مهار تورم اهتمام کند، به همان میزان، از ضرورت پرداخت یارانه و تامین منابع آن کاسته خواهد شد.

در همین زمینه دیروز حمید رسایی نماینده مردم تهران در مجلس گفت: از سال ۹۷ تاکنون ۹۵ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات غیرنفتی برنگشته و بیش از ۲۰۰۰ همت (هزار میلیارد تومان) درآمد نامشروع برای عده‌ای ایجاد شده ۲۰۰۰ همت تقریبا ۵۰ درصد بودجه عمومی کشور می‌شود. ۹۵ درصد از این ۹۵ میلیارد دلار مربوط به ۶۰۰ نفر است؛ متوسط درآمد نامشروع این اشخاص حقیقی و حقوقی هر کدام ۳۱۱ میلیارد تومان می‌شود. یعنی از جیب هر ایرانی ۸۲ میلیون تومان رفته؛ چقدر با کالابرگ به جیب اینها برمی‌گردد؟ کالابرگ بخش کمی از هزینه‌ها را جبران می‌کند.

در همین زمینه دکتر حسین صمصامی نماینده مردم تهران پیش از این خبر داده بود: دولت به جای فشار به صادرکنندگان متخلف برای بازگرداندن ۱۰۰ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات، سال به سال از سهم ارز دارو و کالاهای اساسی کم می‌کند. بانک مرکزی با استناد به مصوبات خلاف قانون «کارگروه بازگشت ارز»، مبلغ تعهد بازگشت ارز را کمتر از مبلغ صادرات گرفته است. متاسفانه حجم تخلفات و ترک فعل‌های کارگروه بسیار بالاست.

به گفته این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس «طبق اطلاعات رسمی اخذ شده از دیوان محاسبات کشور، از مجموع ۲۷۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی ۷ سال اخیر، تنها ۱۷۴۸ میلیارد آن برگشته و به عبارتی ۹۵.۶ میلیارد دلار ارز حاصل از این صادرات به چرخهٔ رسمی کشور برنگشته است اگر قوانین درست اجرا می‌شد، حتی ارز اضافی در کشور وجود داشت».

صمصامی همچنین در نامه‌ای به سران قوا و درباره ارزهای برنگشته می‌نویسد: وقتی رئیس‌جمهور می‌گوید «یک میلیارد دلار نداریم»، راهش گران‌کردن ارز نیست؛ اجرای دقیق قانون و بستن منافذ خروج ارز است. از ۱۳۹۷ تا چهارماهه ۱۴۰۴، صادرات غیرنفتی ۲۷۰.۴ میلیارد دلار بوده اما ۹۵.۶ میلیارد دلار به چرخه رسمی برنگشته؛ تنها در یک‌سال اخیر دولت چهاردهم بیش از ۲۰ میلیارد دلار بازنگشته است. قانون می‌گوید بازگشت ارز پتروپالایشی و فلزی باید ۱۰۰ درصد و سایر اقلام حداقل ۹۰ درصد باشد؛ اما «کارگروه بازگشت ارز» خلاف آیین‌نامه، سقف معافیت را ۶۰ درصد گذاشت و راه تخلف را باز کرد؛ نتیجه: از ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴، عدم بازگشت ۳۸ درصد (۵۶.۳ میلیارد دلار). نظارت حقوقی و قضائی کجاست؟ راه‌حل‌های فوری: انتشار همه مصوبات کارگروه در سایت بانک مرکزی، ابطال مصوبه خلاف قانون، الزام موقت بخش خدمات به پیمان‌سپاری، و اجرای بسته ۱۶بندی (تک‌نرخی‌کردن ارز و اصلاح بودجه) برای مهار تورم و تقویت پول ملی. اقدام کنید قبل از آن‌که هزینه‌ها دوچندان شود.

او همچنین، فهرست «۱۰ شخص حقیقی و ۱۰ شرکت صادرکننده غیرنفتی» را که بیشترین عدم بازگشت ارز صادراتی در سال ۱۴۰۲ را داشتند، منتشر کرد.

در همین حال، لاهوتی، نماینده اتاق بازرگانی در کارگروه بازگشت ارز گفته است: بر اساس اطلاعاتی که در جلسات رسمی و غیررسمی مطرح می‌شود، از سال ۱۳۹۷ تا امروز، حدود ۲۴ تا ۲۵ درصد از ارز حاصل از صادرات تاکنون به چرخه اقتصادی کشور بازنگشته است.

بنابر برخی گزارش‌ها، بررسی آمارهای رسمی نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴ از مجموع بیش از ۱۶۹ میلیارد دلار صادرات محصولات پالایشی، پتروشیمی و فلزی، بیش از ۳۸ میلیارد دلار به کشور بازنگشت.

دادستان کل کشور در این زمینه گفته است: از رئیس کل بانک مرکزی درخواست شد تا اسامی افرادی که اقدام به صادرات کرده اما ارز حاصل از آن را به کشور بازنگردانده‌اند اعلام کند و در این راستا تاکنون برای برخی از افراد پرونده قضائی تشکیل شده و مسئولین مربوطه در راستای این موضوع باید پیگیری‌های لازم را انجام دهند.

از سوی دیگر بنابر برخی گزارش‌ها، مجموع بدهی ارزی برخی از شرکت‌های بزرگ به بیش از ۱۳ میلیارد دلار رسیده است. این شرکت‌ها با وجود تعهد به بازگشت ارز حاصل از صادرات، تاکنون در ایفای تعهدات خود کوتاهی کرده‌اند. در میان بدهکاران ارزی، نام شرکت‌های بزرگ پتروشیمی و فولادی به چشم می‌خورد؛ از جمله: پتروشیمی‌های پارس، مارون، بندر امام، نوری، شیراز، زاگرس، پردیس، جم، خراسان، تبریز، کرمانشاه، شازند، خارک، شهید تندگویان، لاله، فناوران، ارومیه و همچنین فولاد مبارکه اصفهان، فولاد خوزستان و شرکت ملی صنایع مس ایران.

پتروشیمی جم، که به پرداخت حقوق نجومی به علی احمدنیا شناخته می‌شود، یکی از مجموعه‌هایی است که ۴۶۵ میلیون دلار ارز حاصل از صادرات از سال ۱۳۹۷ تا تیر ۱۴۰۴ را بازنگردانده است.

به تازگی علی خضریان، نماینده مجلس، از پرداخت حقوق ۲۰۰ میلیون تومانی به احمدنیا (رئیس اطلاع‌رسانی شورای اطلاع‌رسانی دولت) در پتروشیمی جم خبر داد و حکم کارگزینی نامبرده را هم منتشر کرد.

مدیر مسئول کیهان اخیرا در یادداشتی با بیان اینکه «عدم بازگشت ارز، غارت ثروت ملی است»، هشدار داده بود: طی چند سال اخیر میزان ارز حاصل از صادرات که مطابق قانون باید به بانک مرکزی بازگردانده می‌شد و تاکنون بازگردانده نشده، رقمی بیش از ۹۰ میلیارد دلار است! تقریباً دو برابر بودجه عمومی سالانه کشور. حالا می‌توانید حدس بزنید که افزایش قیمت دلار و جهش افسارگسیخته قیمت کالا و خدمات از کجا آب می‌خورد؟! و چه کسانی سفره مردم را کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌کنند؟!.. مسئولان محترم در دولت، مجلس، قوه قضائیه، مراکز اطلاعاتی و امنیتی در چه کارند؟!

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

نخود لوبیا...!

گفت: روزنامه زنجیره‌ای هم‌میهن در صفحه اول خود عکس یک خانم چادری را به عنوان کسی که از سوی فلان هنرپیشه فاسد مورد تجاوز